

۴. گفت‌وگو با کارگردان «بزم رزم»

جنگ ناموسیقی

سیدوحید حسینی

در گفت‌وگو با «ایران جمعه»

از مراحل ساخت تا انتشار

این مستند می‌گوید

الهام زارع نژاد؛ از اینجا شروع کنیم که نسخه تازه منتشر شده و

جدید «بزم رزم» با آنچه پیش‌تر اکران شد تفاوتی دارد؟

بله. چند دقیقه به این فیلم اضافه شده و برای آنها که قبلاً هم فیلم را دیده‌اند این تصاویر تازه خواهد بود و همچنین دفترچه‌ای از سرودها و تصنیف‌ها را هم چاپ کرده‌ایم و کنار دی‌وی‌دی گذاشتیم که بخش خاطرات مخاطب را پاسخ می‌دهد و با توجه به اینکه در فیلم آنها را می‌شنود برایش جذاب خواهد بود و از طرفی هم بسیاری از آثاری که از این شعرها باقی مانده به‌دلیل قدیمی بودنشان، کیفیت‌های بالایی ندارند و خیلی جاها کلمات واضح و مشخص نیست و می‌توان گفت این اتفاق، اتفاق خوبی است که به‌صورت یک بسته فرهنگی همه آنها را در اختیار مخاطب قرار داده‌ایم. این دفترچه در واقع شناسنامه تصنیف‌های فیلم هم محسوب می‌شود و به نظرم کاربردی است.

جمله معروفی وجود دارد که می‌گوید هر هنرمند یا نویسنده‌ای تنها یک اثر درخشان دارد و آثار دیگرش نام‌های دیگر همان اثر است؛ آیا در مورد بزم رزم در مقایسه و در کنار آثار دیگرتان چنین ذهنیتی برای خود شما پیش آمده است؟

امیدوارم در مورد کار من این چنین نباشد؛ اما به هر حال بزم رزم در زندگی کاری من بسیار اثرگذار بود. این فیلم با اقبال زیادی مواجه شد و من قدردان این مخاطبان هستم با این‌همه از اینکه بعد از دوسال در اختیار همه قرار گرفته چندان رضایت ندارم و به نظرم مرا عقب هم انداخته چون مدام به فکر نمایش آن در شهرهای مختلف و دیده‌شدن آن بودم. به‌دلیل آنکه در ایران مستندسازی یک کار تک‌نفره‌ست که از پخش تا چاپ و فروش فیلم، همه بر عهده خود کارگردان است در نتیجه این فیلم هم خیلی وقت و انرژی گرفت و اگر چنین نبود می‌توانستم فیلم دیگری بسازم اما با این درگیری‌ها فرصت چنین کاری پیش نیامد و البته که همچنان ذهن من درگیر این مسأله است که با وجود چنین استقبالی حالا کار بعدی‌ام چه و چگونه باید باشد.

چه کاری در دست تولید دارید؟

یک فیلم در مورد پرتره مجید درخشانی و یکی هم در مورد قباد شیوا در دست ساخت دارم. کار دیگری هم که زمان بزم‌رزم شروع کردم و تاکنون ۷۰ درصد آن انجام شده، پرتره دکترعبیدی است.

بعضی از منتقدین و مخاطبین بزم رزم را مستند پرتره می‌دانند.

به عقیده شما چه تفاوتی بین بزم‌رزم و یک پرتره تاریخی وجود دارد؟

فیلم پرتره شخصیت‌نگار است و بزم رزم در گونه فیلم‌های پرتره نیست؛ بلکه فیلمی موضوع محور است و در فیلم شخصیت‌هایی که درگیر آن موضوع هستند در مورد همان موضوع صحبت می‌کنند. در واقع با ساختار کلاسیک سینمای مستند، یعنی مصاحبه و آرشیو و نریشن و ساختار جواب پس‌داده‌ای که سال‌هاست در جهان به این روش فیلم‌های زیادی ساخته شده است. شاید خیلی‌ها هم با این روش موافق نباشند و به کارهای نو و تجربی توجه بیشتری نشان دهند اما همچنان این روش مورد پسند من هم است و دلم می‌خواهد درست انجامش بدهم. «بزم رزم» متناسب با اولین موسیقی جنگ، برای من عبارت بود از جنگیدن اهالی موسیقی برای حفظ آن یعنی تلاش موزیسین‌ها برای حفظ موسیقی و نگاه داشت آن که با همه آن سختی‌ها در آن دهه خودش یک جنگ بود. با همین دید هم از ابتدا سراغ افرادی مثل مهدی کلهر، حمید شاهنکیان و علی مرادخانی رفتم. می‌خواستم ببینم نگاه‌ها، از جمله نگاه حاکمیت در آن دوره چگونه بوده و به همین دلیل هم مستند مصاحبه‌محور یکی از اشکال ساده و اولیه مستندسازی است که همان‌طور که اشاره کردم مورد پسند من است و به هر جهت شاید امروز جذابیت خاصی جز برای شبکه‌های خبری و مستندهای تبلیغاتی هم نداشته باشد.

بعد از بزم رزم، موارد مشابهی در ابزار رسانه‌ای مختلف، مثل پادکست چهل سال موسیقی یا حتی فیلم مستند گروه چاووش

و موارد دیگری تولید شد که

البته تفاوت‌ها مشخص است. به

نظر شما به دلیل موفقیت‌های چشمگیری که

نصیب این مستند شده، بزم رزم تأثیری بر ساخت

این گونه تولیدات گذاشته است؟

من «چاووش» و «قطار مسیر شصت» را دیده‌ام و برنامه‌های تلویزیونی که بعد از بزم‌رزم ساخته شد را هم همچنین. این فیلم ظاهراً تأثیراتی روی برخی از هنرمندان داشته، مثل همایشی که راه افتاد و اتفاقاً از طرف کسانی بود که بزم رزم را دوست داشتند. زمانی که فیلم من رو به اتمام بود، دو فیلم دیگر به دستم رسید که از نظر موضوعی شبیه فیلم من بودند. یکی همان کار کتابون جهانگیری بود که گفتم. البته همه آن کارها ساختار و اجرای متفاوت خودشان را دارند، فیلم دیگری هم که سال‌ها پیش توسط خانم آزاده سلیمیان ساخته شده که آن هم فقط از نظر موضوع به فیلم من شباهت دارد. اما در مورد تأثیرگذاری به هر حال در جشنواره‌ها هم دیده می‌شود که بعد از برخی فیلم‌ها که مورد اقبال داوران و مخاطبان قرار می‌گیرد عده بیشتری سراغ ساخت آن گونه فیلم‌ها را می‌گیرند؛ مثلاً بعد از فیلم «صفر تا سکو» ساخت فیلم ورزشی باب شد. در تمام دنیا همین‌طور است و وقتی فیلمی مورد توجه داوران یا مخاطبان قرار می‌گیرد فیلم‌سازی دیگر هم کمابیش به سمت آن موضوع گرایش پیدا می‌کنند و جلب‌اش می‌شوند. بعد از بزم‌رزم هم طبیعتاً عده‌ای به سمت این موضوع رفتند و حتی در تلویزیون کارهایی ساخته شد که متأسفانه خوب نبود و حتی اسم فیلمشان را هم بی‌ذره‌ای خلافت گذاشته بودند: «رزم‌آهنگ»

نگاه و رویکرد شما در ساخت بزم رزم فقط ساختاری بود یا اینکه دغدغه‌های دیگری هم به لحاظ فرمی برایتان وجود داشت؟

به نظر من مسأله مورد پسند قرار گرفتن یک فیلم در گروه‌ها ورده‌های مختلف مخاطبان شامل طیفی گسترده است اما درباره بزم رزم خوشبختانه همه گروه‌ها و سلیقه‌ها نگاه و نظر مثبتی به این فیلم داشتند. جز گروه‌های افراطی که یک طیفشان می‌گفتند چرا به دیگر گروه‌های قبل و بعد از